نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۰

تحلیل عوامل موثر بر تحول نظام نشانه‌ای و دوگانگی هویت در بافت شهری با رویکرد نشانه‌شناختی[1]

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۵ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۵/۱۷

صفحات: ۵۱۰-۴۸۹

آزاده آتش پنجه: دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: Az.atash@yahoo.com

محمد نقی زاده: استادیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.[2]
Email: Dr_mnaghizadeh@yahoo.com

زهراسادات سعیده زرآبادی: دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email:zarabadi.s@gmail.com

چکیده

در شهرسازی امروز فرایندهای تاویلی نظام‌های نشانه‌ای در شهر که هدف آنها نشان دادن معنای اجتماعی و فرهنگی محیط کالبدی است کمتر مورد توجه بوده و اغلب بافت‌های شهری بی‌توجه به تفاوت‌ها و شباهت-های معنادار و هویت‌آفرین و ارزش‌های نهفته در بافتار اجتماعی و طبیعی بستر خود و الگوهای شهرسازی و معماری سنتی ایران شکل می‌گیرند و این مسئله واکاوی پیرامون این فرایندها را حائز اهمیت می‌سازد. هدف مقاله آن است تا در چارچوبی نوین، با تفسیر نظام نشانه‌ای، به بررسی نحوه تغییر عوامل موثر بر هویت شهر و مقایسه این نظام‌ها در بافت قدیم و جدید شهر بپردازد. پژوهش از نوع کیفی و روش پژوهش بصورت توصیفی تحلیلی بوده و از علم نشانه شناسی به عنوان ابزار و روشی جهت بررسی بازنمون‌ها و تحلیل هویت شهر بهره برده شده است. مطالعات در بافت قدیم بیشتر متکی بر اسناد بوده و در بافت جدید بصورت میدانی و بررسی بازنمون‌ها در نواحی گرم و خشک ایران صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که براساس بررسی بازنمون‌ها در نظام نشانه‌ای در لایه‌های متنی فرم شهر، دوگانگی وگسست معنا و هویت بافت قدیم و جدید یک شهر در طول زمان نشانگر چند عامل اصلی تغییر در درون لایه‌های متنی فرم شهر، گسست و دوگانگی در لایه انسانی، تغییر در نظام رمزگان‌های موثر بر ساختار فرم شهر است که بصورت حذف، جایگزینی و یا تغییر نشانه‌ها در لایه‌های طبیعی، اجتماعی و مصنوع نمود یافته است.

کلید واژگان: هویت شهر، نظام نشانه‌ای، نشانه شناسی لایه‌ای، سلسله مراتب نشانداری، روابط دلالتی.

---

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان« *واکاوی نظام نشانه‌ای بافت‌های تاریخی در احراز هویت*» می باشد که در دانشگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران نگاشته شده است.

۲ . نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه شهرسازی، ۰۹۱۲۶۰۸۱۲۹۴

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]

[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

مقدمه

نبود رابطه منطقی بین فرم شهر و عناصر سازنده هویت آن یک مسأله عام در شهرهای امروزی است. وقتی سخن از هویت شهر می رود وجوه اشتراک و تمایز شهرها باهم قابل تأمل است. شهرها همانند انسان‌ها دارای ویژگی‌های متنوع و متفاوتی از یکدیگر هستند که موجب بازشناسی و شخصیت‌یابی آن‌ها از یکدیگر است و هر شهر بر اساس شرایط طبیعی، فرهنگی و اجتماعی که داراست می‌تواند ویژگی‌های متمایز عمده یا بارزه‌ها و نشانه‌های خاصی داشته باشد که موجب شناخت آن گردد. صفات هویتی شهر بر صفات هویتی طبیعی، مصنوع و انسانی شهر مستقر است (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۹). شهرها در واکنش به بسیاری از عوامل همیشه در حال تغییرند، یک شهر هرگز ایستا نبوده و همواره در حال تکامل است و می‌تواند در مسیر این تکامل هم از بین رفته و هم بخش‌هایی از آن جایگزین شود. این تغییرات در قالب تغییرات در نظام‌های نشانه‌ای خود را بروز می‌دهد. در گذشته شکل‌گیری نشانه‌های کالبدی در شهرها در پی پاسخگویی به نیازها و نیروهای مؤثر، شکل‌های متفاوت یا مشابهی به خود می‌گرفت که به هویت کالبدی، هویت مکان و در نتیجه هویت مکانی ساکنین منجر می‌گشت. اما با گذشت زمان و پیشرفت تکنولوژی، تفکرات مدرنیته، توسعه ارتباطات و اطلاعات و غیره، شیوه پاسخگویی و بازنمایی نشانه‌ها نیز دچار تحولاتی گشت. برخی عوامل مؤثر در شکل گیری نشانه‌ها مانند جهان-بینی، فرهنگ و اقتصاد وغیره دچار تحول شد و برخی از عوامل مؤثر بر شکل شهر مانند عوامل طبیعی و اقلیمی نیز تاحدود زیادی نقش خود را در شکل‌گیری نشانه‌های کالبدی از دست داد. از سوی دیگر فضا، یا هر ساختار فضایی یک متن است. شهر نیز چنین فضایی است (الکساندر،1386). هر شهر ساختاری است که نشانه‌های آن با ساکنانش و بازدیدکنندگانش سخن می‌گوید و بر معانی ویژه ای دلالت می‌کند. بنابراین در فهم نشانه شناختی، از یک زبان برای هر ساختار استفاده می‌شود که به واسطه این زبان، بین کسانی که رمزگان یا کدهای آن زبان را پذیرفته‌اند، ارتباطی به شکل معنا حاصل می‌شود. بناهای معماری در مقیاس کوچک‌تر و شهر در مقیاس بزرگتر همین نظم، نظام و ساختار را به نمایش می‌گذارند (نجومیان، 112:1387). براین اساس در این مقاله از روش‌های زبانشناسی و نشانه شناسی که به تازگی در تحلیل مسائل کیفی شهرها بدلیل پیچیدگی و چند لایه بودن آن بکارگرفته و بسیار راهگشا بوده بهره برده شده است.

سوالات پژوهش

۱-دلایل شباهت، عدم تشخص و درجه ضعیف هویت کالبدی در توسعه‌های جدید شهری و حتی بین شهرهای گوناگون با شرایط متفاوت چیست؟۲- آیا عوامل و نیروهای مؤثر مشابهی بر پیکره شهرها اثرگذار است یا نیروهای مؤثر در ایجاد نشانه‌های کالبدی حذف و جایگزین گشته‌اند. درپی پاسخ به این سوالات، فهم این موضوع که در بافت قدیم شهرها به مثابه یک متن متشکل از نظام‌های نشانه‌ای، با توجه به وجوه درونی نشانه و روابط نشانه‌ای، هویت اکتسابی ناشی از چه عواملی و در چه سطحی بوده و این نظام ها در طول زمان و در توسعه‌های جدید شهر دچار چه تحولاتی شده و بر هویت شهر چگونه تاثیر گذار بوده است می‌تواند راهگشا باشد.

در جهت پاسخ به سوالات پژوهش، ضمن تشریح مفاهیم تحلیل نشانه شناختی بر اساس مدلی مبتنی بر مبانی نظری و پارامترهای نشانه شناختی در مورد متن شهر در دو بازه زمانی گذشته و معاصر، مشخص خواهد کرد که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

در بافت قدیم چگونه لایه‌های مختلف و سازنده متن شهر، ارتباطی معنادار داشته و بالعکس در وضعیت معاصر به دلیل برهم خوردن ارتباط لایه‌ها و سلسله مراتب درونی لایه‌های تشکیل دهنده فرم شهر چگونه یک گسست هویتی و معنایی در ساختار نشانه ای‌آن نمود یافته است.

مبانی نظری

مفهوم هویت در اثر یا پدیده شهر موضوعی چالش‌برانگیز است که اغلب نظریه‌پردازان برای تشریح آن از مفاهیم دیگری استفاده نموده‌اند. راپاپورت هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی-کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند. در این تعریف وی بر دو نکته تأکید دارد: نخست این‌که، هر هویت محیطی، متضمن محتوا و درونی است که ذات و ماهیت خودش را مشخص می‌سازد و دیگر آن‌که، دارای مرزی است که آن را از بیرون و غیر خودش جدا می‌سازد (راپاپورت[1]، ۱۹۹۴). هر فضا و مکان، به عنوان یک منبع هویت است و به گروه‌هایی که در آن قرار می‌گیرند، هویت می‌بخشد (ربانی، ۱۳۸۱، ۳۷). یک شهر نیز به‌عنوان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های ساخته‌شده توسط انسان، که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده دارای هویتی خاص است. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد(شیعه،۱۳۷۶، ۴). مامفورد در تحلیلی ماندنی، نوسازی شهری عصر مدرن را به لحاظ فضایی، کالبدی و اجتماعی فاقد شخصیت دانسته ومسأله اصلی شهرسازی مدرن را مسأله هویت شهری تلقی نموده‌است. وی می‌گوید :«شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم‌هایی که بتدریج پیچیدگی بیشتری می یافتند، شیرازه زندگی اجتماعی جوامع را بوجود می آوردند، ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک و مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته اند، لیکن امروزه این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و همه آنها به توده های مشابه یکنواختی بدل گشته اند». مامفورد معتقد است که عملکرد شهرهای امروزی، حمل و نقل سریع است و در نتیجه قاعده اندازه شهر بصورتی که یک انسان بتواند آن را پیاده طی کند از میان رفته است و در نتیجه اجزای شهر بدون انطباق با اهداف انسانی به حالت استاندارد درآمده و عناصر زیبایی شناسانه نیز در طرح آن نادیده گرفته شده اند" (مامفورد، ۱۹۶۱[2]).کریر نیز در مقایسه و تحلیل فضاهای شهری مدرن و سنتی، ضمن بی‌هویت خواندن شهرهای قرن بیستم، شهرسازی مدرن را حرکتی به سوی متحدالشکل شدن، ضعف اعتقادات مذهبی، آلودگی محیط و استانداردیزه شدن هنر می‌داند. در واقع وی استانداردگرایی در تولید فضاهای شهری که منجر به هم‌شکلی و یکسانی فضاهای شهری شده است را عامل این بی‌هویتی معرفی می-کند(ترانسیک، ۱۹۸۴[3]) . والتر بور هم از جمله کسانی است که شباهت بیش از حد شهرها به یکدیگر را تهدیدی جدی برای هویت فضاهای شهری می‌داند. درواقع از نظر وی مهمترین وجه اشتراک شهرهای سنتی و کهن، همان منحصر بفرد بودن آنهاست (مولوی ،۱۳۷۵) . والمزلی در رویکردی دیگر، برنامه‌ریزی

1 Rapoport,1994
2 Mumford, 1961
3 Trancik, 1984

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

شهری و طراحی محیطی در این دوره را که به‌زعم او روش‌های ساخت استاندارد و مشابهی دارند، باعث از بین بردن تنوع محلی و ایجاد مناظر یکدست می‌داند. وی اضافه می‌کند که شاهد این مساله شباهتی است که میان شهرهای مختلف دنیا مشاهده می‌شود. شباهتی که به طور عمده، تابعی از بکارگیری مصالح ساختمانی و تکنیک های جهانی ساخت و کنار گذاشتن مصالح بومی و سنتی است که در ذات و جوهر خود وابسته به محیط یا مکان‌اند. به عقیده او، شهرسازی و معماری مدرن، امکان درک نقش محیط در هویت فردی را از ساکنانش گرفته و بی مکانی را رشد و پرورش داده‌است(والمزلی،۱۹۸۸ [1]).

شاخصه‌های هویت شهر

به اعتقاد پژوهشگران می‌توان هویت یک شهر را وابسته به یک مقدمه (ماهیت) و یک مؤخره (وجود ذهنی) دانست. مقدمه هویت همان وجود عینی از قبیل کیفیت بصری و عملکردی و مؤخره هویت، معنی، ریشه و تداعی ذهنی محیط (خاطرات، حوادث و وقایع، نمادانگاری فرهنگی و بومی) است. برخی ابعاد هویت شهر هستند که تجلی نمی‌یابند و به‌صورت مفاهیم مختلف شهری (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و...) و یا بار معنایی کیفی مکان، نقش هویت‌دهی را ایفا می‌کنند (واعظی و علیمردانی،۵۲:۱۳۹۷). درواقع هویت شهرها بر هویت جامعه و کسانی که در آن‌ها زندگی می‌کنند تأثیر می‌گذارد و بالعکس محیط شهری منعکس‌کننده نیازهای افراد جامعه و ارزش‌های (جهان‌بینی و فرهنگ) آن‌هاست. عوامل عدیده‌ای در شکل‌گیری و ظهور (تقویت یا تضعیف) و تحول هویت شهر و آثار انسانی قابل شناسایی هستند؛ که برخی از آن‌ها به تناسب ویژگی‌ها و اهمیتشان برجسته‌تر می‌باشند. این عوامل در سه گروه اصلی «عوامل فکری» (یا جهان بینی)، «عوامل رفتاری» (یا فرهنگی) و «عوامل عینی» (یا کالبدی) طبقه‌بندی شده‌اند شکل(۱) که هر کدام از آن‌ها ما به ازاء یکی از ادراکات یا ساحت‌های سه گانه حیات انسان هستند (نقی زاده،۱۳۹۳). با توجه به ساحات حیات انسان‌ها ازجمله ساحت مادی، روانی و چه روحانی می‌توان مراتب هویت آثار انسانی را در سه طبقه «هویت معنوی»، «هویت کیفی» و «هویت کمی» طبقه‌بندی کرد. عوامل هویت معنوی اصول و ارزش‌هایی هستند که برای محسوس شدن نیازمند کالبدی هستند تا در آن کالبد ظهور و بروز پیدا کند. این عوامل بر همه عوامل هویتی ظاهری و کمی مقدم هستند و ماهیتی معنوی و غیرکالبدی دارند از جمله وحدت، دین گرایی، جمع گرایی، تعادل و ... هویت معنوی در واقع به الهی بودن و متذکر بودن پدیده موردنظر به ارزش‌های الهی مربوط می‌شود.

1 .Walmsley, 1988

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

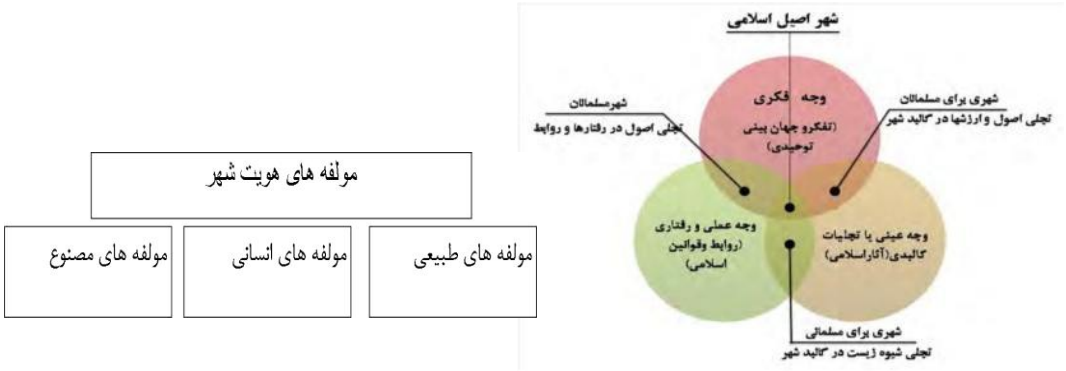

شکل(۱). سمت راست عوامل موثر بر ظهور و تحول هویت شهر(برگرفته از: نقی زاده، ۱۳۹۳)، سمت چپ مولفه‌های سازنده هویت شهر(برگرفته از بهزادفر،۱۳۹۰)

هویت کیفی شهر مابه‌ازای هویت شخصیتی انسان است که در آن متجلی شده است. منظور از شخصیت برای مکان وجه معنایی (و نه الزاماً معنوی) و فضایی آن است. هویت کمی، ظاهر شهر و هویت کیفی شخصیت و باطن آن است. احساس افتخار، رضایت، تعلق و غیره در ارتباط با شهر می‌توان جلوه‌ها یا نتایج هویت کیفی آن دانست. هویت کمی آن دسته از عواملی است که در ظاهر شهرها و توسط حواس فیزیولوژیک انسان قابل درک هستند در این درجه از هویت، پدیده به لحاظ ظاهری و کالبدی دارای تشابهات و تمایزات کالبدی است که موجب شناخته شدن و احراز هویت آن می‌گردد (نقی زاده۱۳۹۳، ۱۲۹). برای شناخت هویت یک شهر می‌باید مؤلفه‌های سازندهٔ شخصیت آن را شناخت. مؤلفه‌های شخصیت یک شهر، می‌تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از یکدیگر تفکیک گردند (شکل۱). اجزای مؤلفهٔ طبیعی از متغیرهایی چون کوه، دشت، رود، تپه ماهور و نظیر آن، اجزای مؤلفهٔ مصنوع از متغیرهایی چون تک بناها، بلوک شهری، محله، راه، خیابان، میدان و اجزاء مؤلفه‌های انسانی از متغیرهایی چون زبان، دین، سواد، اعتقادات محلی، آداب و رسوم و نظیر آن برخوردار است (بهزادفر، ۱۳۹۰).

هویت شهر و مساله بحران هویت موضوعی است که در تحقیقات بسیار مورد توجه بوده و پژوهش های بسیاری با دیدگاه های متفاوت به آن پرداخته اند. برخی از این پژوهش ها دیدگاه کالبدی داشته و برخی به جنبه اجتماعی و معنایی آن پرداخته اند. با توجه به رویکرد این مقاله که کاربرد روش نشانه شناسی در ایجاد مدل تحلیلی و مقایسه مقوله هویت در بافت قدیم و جدید شهر می باشد می‌توان به برخی از این پژوهش ها که از این روش در تحلیل معنا و هویت استفاده نموده‌اند اشاره کرد. مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکردهای آن(مطالعه موردی محله رستم آباد- فرمانیه)" نوشته احمد پاکتچی، از الگوی امولت[1] از یاکوب فون اکسکول[2] برای تحلیل این تعارض هویتی در یک محله شهری بهره برده و به این نتیجه دست یافته است که با وجود واگرایی دو فرهنگ رقیب مقیم در این محله و هویت دوگانه آن، وجود برخی انگیزش‌های همکاری که ریشه در سنت‌های کلان اجتماعی فراتر از محله دارند مانند

1 Umwelt
2 Jacob von Uexkull

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

انگیزش‌های دینی می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی دو فرهنگ و همکاری دو قطب در محله گردد.(پاکتچی، ۱۳۹۰: ۴۶). مقاله‌ای تحت عنوان" تهران : گسست و پیوست معنا"، با بررسی و تحلیل معماری و شهرسازی سنتی و مدرن تهران بر پایه مربع معنایی، به این موضوع می‌پردازد که چیزی مدرن است که ریشه در سنت خود دارد. عناصر مثبت آن را محفوظ می‌دارد و عناصر منفی را نفی می‌کند.این مقاله شهر را به سه گروه پدیده مکانی تقسیم می‌نماید و به این نتیجه می‌رسد که در دو گروه مکان‌ها و معماری که در پیوستگی با معماری سنتی است مانند مسجد و بازار و غیره و مکان‌ها با معماری ترکیبی، مانند برج آزادی یا بلوار کشاورز، شهروندان می-توانند منطقا با آن‌ها ارتباط برقرار سازند و نسبت به آن‌ها تعلق خاطر داشته و احساس هویت کنند. برعکس در گروه مکان‌ها و ابنیه ای که در گسستگی با معماری سنتی هستند مانند برج‌ها و بافت های نوساز علت گسست را در جداشدن معمار از پیوستگی و تداوم فرهنگی مردم و ارائه اثری که تجلی تفکر و شرایط اقلیمی مرز وبوم نیست دانسته و این آثار را تهی از معنا و هویت و تنها به ظاهر زیبا می‌داند. در نتیجه استفاده از نظام رمزگانی آشنا برای گفته‌خوان یا شهروند تهرانی را تنها راه برقراری ارتباط و هویت آفرینی می‌داند. در مقاله"بررسی فرم شهر از منظر نشانه شناسی لایه ای(نمونه موردی محله باغ شاطر تهران)"، نتایج نشان می‌دهد چگونه ارتباط نامناسب عوامل و مصنوع در ساخت وسازهای معاصر و دگرگونی و حمایت نکردن لایه عوامل انسانی در بافت زدایی از فرم شهر معاصر تاثیر گذاشته و بر کارکردهای اجتماعی، عملکردی و هویتی شهر تاثیر گذاشته است.(محمدی، ۱۳۹۱) مقاله "تاملی در تحولات ساختاری معاصر شهر تبریز و تاثیر آن بر هویت شهر نوشته نصیری نیا و همکاران، با هدف شناخت تغییرات پدیدآمده در هویت ساختاری شهر به سبب مداخلات معاصر، به تحلیل جایگاه سه عرصه تاریخی شهر و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های جهانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این تحولات عرصه‌های تاریخی شهر را مخدوش ساخته و سبب جدایی بیشتر آن از جریان زندگی شهر شده است و میبایست با تقویت عرصه‌های تاریخی موجبات پویایی آن‌ها در حیات شهر مهیا شود.(نصیری نیا و همکاران، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

روش پژوهش در مقاله حاضر با توجه به هدف از نوع کیفی و با توجه به روند اجرا از نوع توصیفی تحلیلی می باشد که در روند تحلیل از روش مقایسه‌ای نیز کمک گرفته شده است. از آنجا که مفهوم فرم شهر در زمینه و یا بافت معنا و مفهوم می‌یابد، نمی‌توان آن را در قالب یک الگوی تک نشانه‌ای بررسی کرد. بنابراین با توجه به پیچیدگی و چند بعدی بودن شهر به عنوان یک پدیده انسان ساخت و همچنین مسئله هویت شهر و گستره وسیع این مفهوم، نشانه‌شناسی‌لایه‌ای به عنوان یکی از مصادیق رویکرد پیدایشی در نشانه‌شناسی به عنوان ابزار تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. قابل ذکر است که، بافت قدیم در دوره تاریخی که ازکارایی برخوردار بوده است مدنظر این پژوهش می‌باشد و به همین دلیل شناسایی نظام نشانه‌ای در بافت قدیم بیشتر متکی بر مطالعات بوده و باتوجه به تجلی ارزش‌ها، به دنبال بازنمون خواهیم بود. حال آنکه در بافت جدید بیشتر سعی بر شناسایی میدانی بازنمون‌ها بوده و سپس تفسیر صورت خواهد گرفت. پس از این مرحله، به خوانش بازنمون نظام نشانه‌ای و تفسیر نشانه‌ها پرداخته و با استفاده از مبانی نشانه شناسی لایه ای به تحلیل نوع روابط و درجه نشانداری بافت قدیم و جدید و نهایتاً درجه هویت اکتسابی آن‌ها خواهیم پرداخت.در نمودار مدل عملیاتی به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

عنوان بخش رویه‌ای روش تحقیق به این مراحل مفصلا اشاره شده است (شکل۳). در ادامه نیز رویکرد نشانه شناسی لایه‌ای به عنوان بخش محتوایی روش تحقیق مختصرا تشریح می‌گردد.

نشانه شناسی لایه‌ای

نشانه‌شناسی اشیاء یا اعمالی را که درون یک فرهنگ معنی دارند، نشانه تلقی می‌کند و از این طریق می‌کوشد قوانین و قراردادهایی را که آگاهانه یا ناخودآگاه توسط اعضای آن فرهنگ درونی شده اند و معنای پدیده ها را ممکن می‌کند، تشخیص دهد(کالر، ۱۳۹: ۷۶). نشانه شناسی لایه‌ای رویکردی است که زمینه‌ی تحلیل گسترده‌ی متن‌ها در بستر رابطه‌ی تعاملی و چند سویه‌ی بین نظام‌های نشانه ای و لایه‌های متنی،که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالتی است را فراهم می‌کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد امکان استفاده از آن در متن‌های چند رسانه‌ای است. در این رویکرد، مفهوم نشانه به دنبال مفهوم متن می‌آید و متن نه حاصل همنشینی بین رمزگان ها (اکو ۵۷:۱۹۷۹، به نقل از سجودی ۱۳۹۳: ۲۰۳) بلکه حاصل هم نشینی بین لایه‌هایی است که هر یک براساس انتخاب از آن رمزگان ها در کنش ارتباطی تحقق عینی یافته‌اند. همانطور که در شکل (۲) نیز مشاهده می‌شود، رمزگان های متفاوتی که در هر کنش متنی دخالت دارند، خود بر یک دیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات دوسویه و در نگاهی کلی چند سویه است.

نشانه و رمزگان: تعاریف و دسته بندی های متفاوتی در زمینه مفهوم نشانه از سوی اندیشمندان داخلی و خارجی ارائه شده است. از جمله نشانه‌های تکوینی و اعتباری(نقره کار۱۳۹۳: ۵۲)، نشانه‌های قراردادی، مفهومی، ازلی، فطری(نقی زاده)تعریف دو وجهی سوسور و یا الگوی سه وجهی پیرس و...که در این تحقیق از الگوی پیرس بعنوان وجوه تشکیل دهنده نشانه استفاده شده است. در این دیدگاه نشانه در شکل بازنمون چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند (پیرس، ۱۹۳۱، به نقل از سجودی، ۱۳۹۳: ۲۱). پیرس(۱۹۳۱) الگوی سه وجهی نشانه را که شامل بازنمون، تفسیر و موضوع است مطرح کرد. بازنمون نمود صورتی که نشانه به خود می‌گیرد و الزاماً مادی نیست. تفسیر: معنایی که از نشانه حاصل می‌شود. موضوع :که نشانه به آن ارجاع می‌دهد. تعاملِ بین بازنمون، موضوع و تفسیر را "پیرس" نشانگی ،که شاید بتوان آن را کلیت فرآیندِ معنی‌سازی نامید، نامیده است (چندلر،:۱۳۹۴ : ۶۱). رمزگان‌ها عبارتند از قالب-های تفسیری که از سوی تولیدکنندگان آن‌ها و مفسرین متن به کار می‌روند(ضیمران، ۱۳۹۳: ۱۳۵). رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورد که در آن نشانه‌ها معنا می‌یابند و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود(ماجدی، سعیده زرآبادی، ۱۳۸۹: ۵۱).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

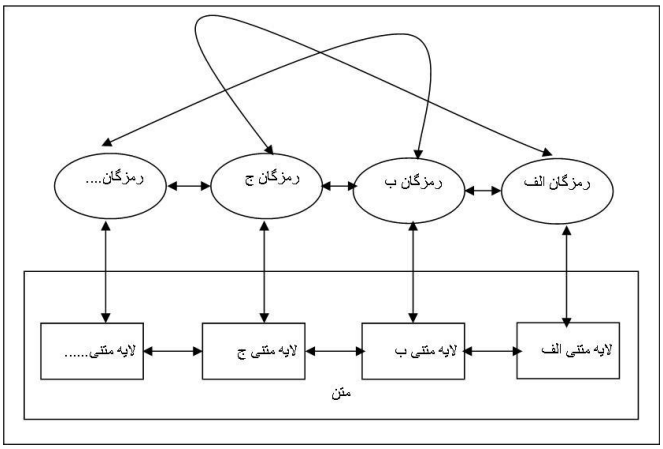

شکل(۲). لایه های متن در نشانه شناسی لایه ای.(منبع؛ سجودی ۱۳۹۳، ۱۹۹)

ساختار و نشانداری سلسله مراتبی: متن شبکه‌ای باز است که از لایه‌های مختلف که خود نمود رمزگان‌های متفاوت هستند، شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت آن است که لایه‌های متنی در متن، خود دارای سازمان دورنی و بیرونی هستند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (سجودی،۱۳۹۳: ۲۱۰).

بافت‌سازی و بافت‌زدایی: اگر نشانه‌ها و یا لایه‌های متنی در جهت انتظاری که توسط دانش پیشین و طرحواره-های ذهنی ما تایید می‌شود بر روی محور همنشینی انتخاب شوند، با فرایند بافت‌سازی مواجهیم و اگر انتظارات پیشین ما را برهم زنند در این صورت ظاهرا در رابطه بافت‌زدا نسبت به یکدیگر قرار می‌گیرند (دانشپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۲) .

نتایج

باتوجه به مبانی و چارچوب نظری مطرح شده ابتدا فرم شهر به‌عنوان پدیده ای متشکل از مؤلفه‌های طبیعی، انسان ساخت و انسانی به مثابه یک متن مورد بررسی قرار گرفته و بازنمون های هویتی در لایه انسان ساخت در قالب سه نظام سیما و منظر، ساخت و ابنیه و فضا و عملکرد در دو بافت جدید و قدیم شهر از طریق مطالعات اکتشافی و یا میدانی شناسایی می‌گردد. سپس تحلیل در بخش‌های موضوع و تفسیر ساختار نشانه ای و عوامل موثر بر آن، تغییرات نظام نشانه‌ای، سلسله مراتب نشانداری، روابط دلالتی و نهایتا نقش روابط دلالتی و سلسله‌مراتب لایه‌های متنی در هویت شهر در بافت قدیم و جدید شهر صورت می‌گیرد.

بررسی بازنمون‌ها در بافت قدیم و جدید شهر

بررسی بازنمون‌ها در لایه بازنمونی انسان ساخت و طبیعی در قالب رمزگان‌های زیباشناختی و منطقی صورت گرفته است و بدلیل تعدد و تنوع بازنمون‌ها در لایه انسانی و رمزگان‌های اجتماعی و ورود به گستره علوم اجتماعی، به آن‌ها در این مقاله پرداخته نمی‌شود. لایه انسان‌ساخت در دو نظام سیما و منظرشهری و عملکردی فضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد (جداول۱و۲) و شکل(۳).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

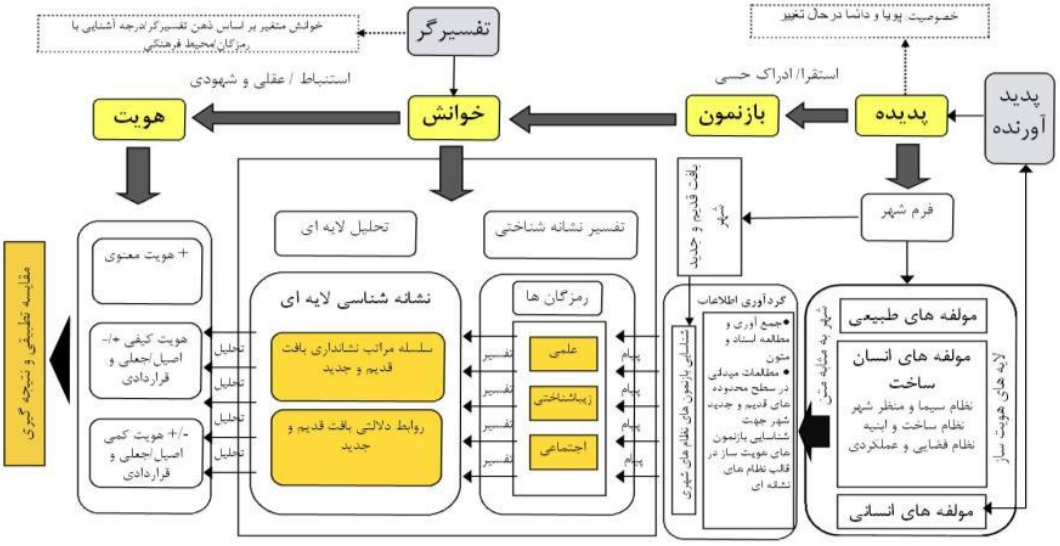

شکل(۳). مدل عملیاتی و جنبه رویه‌ای روش تحقیق

تحلیل و مقایسه موضوع و تفسیر ساختار نشانه ای و عوامل موثر بر آن

در بافت قدیم شهر با توجه به موضوع ساختار نشانه ای، ارزش‌هایی چون وحدت، دوری از تجمل‌گرایی و خودنمایی، تعادل، تذکر، روحیه برادری، آسایش و آرامش روانی و غیره که در جدول به آن‌ها اشاره شده است منجر به ظهور نشانه‌ها در لایه‌های سیما و منظر و لایه عملکردی فضایی گشته است. این مسائل ناشی از عوامل موثر ایدئولوژی و جهانبینی اسلامی، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و عوامل اقلیمی بوده است. با توجه به موضوع ساختار نشانه‌ای در بافت جدید، مسائلی چون مادیگرایی و سودجویی، ظاهرگرایی و جلوه‌گری، فردگرایی به جای وحدت و جمع گرایی و ازخودبیگانگی و تقلید منجر به ظهور اکثر نشانه ها در سیما و منظر شهر و مسائل عملکردگرایی، برونگرایی، تعدی به حقوق دیگران و کمرنگ شدن تعاملات اجتماعی در سطح فضاهای شهری منجر به ظهور اکثر نشانه‌ها در ساختار فضایی و عملکردی شهر گشته است. این مسائل ناشی از عواملی همچون طرح‌های توسعه شهری برپایه دیدگاه غربی، تغییر در سبک و شیوه زیست، تغییر در نوع و ترتیب ارزش‌ها و اهمیت ارزش‌های اقتصادی، سیستم برنامه‌ریزی و مقررات، تکنولوژی و رشد فناوری و تغییر در سیستم ارتباطات بوده که بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری نظام نشانه‌ای توسعه های جدید شهری داشته است. شکل(۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

جدول(۱). بررسی بازنمون‌ها، خوانش و تعیین نوع روابط دلالتی و سطوح نشانداری در توسعه‌های قدیم شهر

لایه بازنمودی	رمزگان	بافت قدیم							
		پدیده		خوانش			لایه ها و عوامل موثر در شکلگیری نشانه های هویتی		
		نظام	بازنمون	تفسیر	موضوع(میانی)	نوع رابطه	عامل موثر بر نشانداری	سلسله مراتب نشانداری	لایه موثر
انسان ساخت	منطقی	ابنیه و ساخت	• استفاده از مصالح بوم آورد و همساز با اقلیم و شرایط سرزمین • سابط و مسیرهای سرپوشیده • بادگیر • ضخامت جداره ها • مصالح خشت و گلی با ظرفیت حرارتی بالا • فقدان تفاوت های ساختاری بین معماری مذهبی و غیر مذهبی • فضای مرکزی خانه ها • فرم گنبدی ام ها • استفاده از عناصر گیاهی در مقیاس خرد و کلان در طراحی و در ترکیب با محیط انسان ساخت • پایین تر بودن کف خانه ها نسبت به معابر • ارتفاع بلند دیواره ها نسبت به عرض معابر • مسیر قنات ها و مظهر قنات • حضور آب و آینها در فضاها • کوبه های دوگانه بر روی درها • کتیبه ها و آیات قرآن بر سردر خانه ها و اماکن عمومی • ارتفاع کوتاه درها • ارتفاع بلند دیواره ها	• سایه اندازی و کاهش شدت نور آفتاب • استفاده از انرژی باد برای خنک سازی و تلطیف فضا • کاهش میزان مصرف و هدررفت انرژی • نزدیکی کف خانه به سطح آب • انعکاس نور خورشید به جای جذب آن • ارتباط مستمر با عناصر طبیعی • خم شدن هنگام ورود • عبور از زیر آیات قرآن • شناسایی جنسیت فرد مهمان با صدای متفاوت کوبه ها	• آسایش اقلیمی • ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت • طراحی اکولوژیکی (سازگاری با محیط) • تأمین آسایش و آرامش انسان • نقش نمادین و ارزشی آب و گیاهان در فرهنگ ایرانی • خضوع • عبودیت • تذکر • محرمیت	• بافت سازاین لایه ای بافت ساز/ درون لایه ای	• شرایط اقلیمی و محیطی • ارزش های فرهنگی و اجتماعی • ایدئولوژی و جهانبینی	• سطوح بالای نشانداری طبیعی • سطوح بالا نشانداری اجتماعی و فرهنگی	طبیعی
			• تبعیت شکل بافت از شکل زمین و توپوگرافی • همجواری و تلفیق عناصر طبیعی و ساخت و سازها	• حضور و همزیستی با طبیعت • استفاده بهینه از انرژی خورشید • دید و منظر مناسب	• توجه و احترام به طبیعت • طراحی اکولوژیک و سازگاری با محیط	• بافت ساز/ این لایه ای	• شرایط محیطی • ارزش ها و جهانبینی	• سطوح بالای نشانداری طبیعی	ممنوع

لایه بازنمودی	رمزگان	بافت قدیم							
		پدیده		خوانش			لایه ها و عوامل موثر در شکلگیری نشانه های هویتی		
		نظام	بازنمون	تفسیر	موضوع(میانی)	نوع رابطه	عامل موثر بر نشانداری	سلسله مراتب نشانداری	لایه موثر
انسان ساخت	زیباشناختی/ منطقی	سیما و منظر شهری	• خط آسمان متعادل و متوازن • سیطره کالبدی کاربری ها و عناصر مذهبی و اعتقادی در خط آسمان و سیمای کلی بافت • یکپارچگی سلسله مراتب حجمی در مقیاس شهر • فرم خاص بام ها • فرم نمادین مناره ها و گنبد مساجد • وجود اشکال، احجام، عملکردها و فضاهای آشنا و واجد معانی معنوی و نمادین • استفاده از کتیبه ها و آیات الهی و احادیث در تزئینات ابنیه و فضاها • بهره گیری از نمادها و اشکال نمادین در تزیینات ابنیه بخصوص مساجد • بکارگیری رنگ در ابنیه و فضاها • استفاده از هنرهای بومی • عدم استفاده از تزئینات ابنیه خصوصی در منظر عمومی • نقش مساجد، نگاره حسینیه ها و... در خوانایی و جهت یابی به لحاظ کالبدی • تناسبات و هماهنگی اندازه ها و کلیه جزئیات بناها و فضاها • یکپارچگی جنس و رنگ مصالح • هماهنگی و پیوستگی سیمای بیرونی خانه ها و محلات • برتری چشم انداز درونی بر چشم انداز بیرونی • روزنه های بسیار محدود در بدنه خانه ها به معابر و گذرها • چشم انداز مناسب عناصر طبیعی	• دید و منظر مناسب • تصویر ذهنی روشن از بافت سکونتگاه • قابلیت ادراک و خوانایی از دید و مقیاس انسانی و امکان جهت یابی • زیباسازی فضاها و ابنیه • کاهش دید به درون خانه ها از گذرها • تنظیم شرایط محیط و سایه اندازی	• وحدت • حد و اندازه/ تعادل • ذکر • یادآوری صبغه مسلط الهی و معنوی • روحیه برابری، اخوت و برادری • ایجاد حضور قلب/مرکز توجه به امور معنوی • هدایتگری • گرایش به معنویت • درونگرایی • نوع گرایی	• بافت سازاین لایه ای • بافت ساز/ درون لایه ای	• ایدئولوژی و جهانبینی • ارزش های فرهنگی و اجتماعی • شرایط اقلیمی	• سطوح بالا نشانداری اجتماعی و فرهنگی • سطوح بالا در نشانداری ارزشی (ارزش های اسلامی) • سطوح بالای نشانداری طبیعی	انسانی
	منطقی	عملکردی فضایی	• شبکه پیوسته ساختار فضایی • بافت متراکم • وجود عناصر هدایت کننده و شاخص در مسیرها و فضاهای شهری • همجواری و تلفیق عناصر معنوی با محیط عملکردی روزمره آهالی • وجود مجموعه ها در بافت قدیم • سلسله مراتب گذرها • مقیاس انسانی معابر و گذرها • پیچ و خم و فرم لابیرنتی گذرها • نقش نشانه ای کاربری ها ی مذهبی در مسیریابی • مرکزیت عناصر و کاربری های معنوی در ساختار فضایی محلات • همجواری و پیوند کاربری های مذهبی، تجاری، آموزشی و... در نظام عملکردی • ورودی های تعریف شده به عنوان شاخص های فضایی و کالبدی • نقش اساسی مرکز محله ها در انسجام فضایی بافت • بازار از عناصر اصلی استخوانبندی نظام فضایی بافت • وجود سقاخانه در گذرها	• انسجام و هم پیوندی عناصر و کاربری ها • عدم اشرافیت واحدهای مسکونی نسبت به هم، ایجاد محرمیت • کنترل باد و ملاحظات اقلیمی • مالکیت عمومی فضاهای باز شهری • افزایش احساس امنیت • سهولت دسترسی به کاربری های مختلف • افزایش خوانایی در بافت محله ها و امکان جهت یابی • پشتوانگی مالی برای کاربری های دینی و مذهبی • اهمیت ارتباطات تجاری و اقتصادی در زندگی مردم • رفع نیازهای ابتدایی مانند تعطش و نشستگی	• وحدت در کثرت • حد و اندازه • تذکر به صبغه مسلط الهی و معنوی • شیوه زیست متعادل • استقرار آسایش و آرامش روانی • هدایتگری • حضورپذیری • زنده نگه داشتن ارزشهای معنوی و فرهنگی • درونگرایی • دوری از تجملگرایی و خودنمایی • یادآوری وقایع و شخصیت های دینی و مذهبی	• بافت سازاین لایه ای • بافت ساز/ درون لایه ای	• ایدئولوژی و جهانبینی • ارزش های فرهنگی و اجتماعی • شرایط اقلیمی	• سطوح بالا نشانداری اجتماعی و فرهنگی • سطوح بالا در نشانداری ارزشی (ارزش های اسلامی) • سطوح بالای نشانداری طبیعی	انسانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]

[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

جدول(۲). بررسی بازنمون‌ها، خوانش و تعیین نوع روابط دلالتی و سطوح نشانداری در توسعه‌های جدید شهری

لایه بازنمودی	رمزگان	بافت جدید							
		پدیده		خوانش			نوع روابط دلالتی و سطوح نشانداری		
		نظام	بازنمون	تفسیر	موضوع(میانی)	عامل موثر	نوع رابطه دلالتی	سطح نشانداری	لایه موثر
انسان ساخت	منطقی	فضایی عملکردی: ساختار فضایی	• عدم تعریف کالبدی و فضایی مرکزی برای محله ها • عدم تعریف ورودی محله ها و شهر • قرارگیری عناصر شاخص در تقاطع ها و خیابان های اصلی • بیان جدید از هندسه (بدون تعریف و بی نظم) • نقش اصلی خیابان ها و فلکه ها در ساختار فضایی • فضای غیر انسانی و مناسب خودرو • از بین رفتن مرکزیت عناصر و کاربری های مذهبی در ساختار فضایی محلات • سلسله مراتب معابر بر اساس تردد اتومبیل • بزرگراه ها ، زیرگذرها و روگذرها	• زیبایی و تفاوت ظاهری • ایجاد خوانایی و دید مناسب به بناها و کاربری های شاخص • مطابقت با استاندارد ها و سرانه ها • دسترسی مناسب و راحت توسط اتومبیل	• تسلط ماشین بر انسان و تحقیر انسان توسط مصنوعات خویش • عملکردگرایی • آسایش و راحتی	• طرح های توسعه شهری بر پایه دیدگاه غربی • پیشرفت تکنولوژی و ورود ماشین • تغییر در شیوه زیست و لزوم دسترسی سریع • تغییر در سیستم ارتباطات و ارتباطات	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای • بافت زدا/ بین متنی • بافت ساز/بین متنی	• سطوح پایین نشانداری ارزشی و مفهومی(خصوصیات فیزیولوژیک انسان، دسترسی، نفوذپذیری و،صرفا عملکردی) •	انسانی
		فضایی عملکردی: کاربری	• جدایی کاربری های مذهبی، تجاری، آموزشی و... در نظام عملکردی • کاربری های خرد دانه و پراکنده • نقش نشانه ای کاربری ها ی تجاری در مسیریابی • عدم تعریف فضایی مرکز محله در بافت جدید و جایگزینی با پارک ها و تقاطع ها	• سهولت دسترسی فردی توسط اتومبیل • جلب توجه در نقاط کانونی • دسترسی به امکانات در تمام نقاط	• فردگرایی • اهمیت کم رنگ زندگی اجتماعی و تعاملات	• طرح های توسعه شهری بر پایه دیدگاه غربی • ارزش های جدید اجتماعی و فرهنگی • پیشرفت تکنولوژی و ورود ماشین • تغییر شیوه زیست ساکنین	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای • بافت ساز/بین لایه ای • بافت زدا/ بین متنی	• سطوح میانی نشانداری اجتماعی و فرهنگی	انسانی
		ساخت و ابنیه	• فرم یکسان بام بصورت مسطح • پیش آمدگی ساختمان ها در معابر • بازشوهای بزرگ رو به معبر • طبقات ساختمانی و برج ها در کوچه های کم عرض • سایه اندازی بناهای بلندمرتبه روی بناهای اطراف • عدم توجه به توپوگرافی و شکل زمین در طراحی ها • ایستگاه ها و سایه بان‌های غیر بومی و غیر انسانی • مصالح یکسان در اقلیم های مختلف • آینماها و گیاهان در فضای شهر و حیاط خانه ها	• پیشرفته شدن شیوه های ساخت و حضور تکنولوژی • افزایش میزان فضای مورد استفاده • ایجاد دید و منظر مناسب به فضای خیابان • افزایش میزان نورگیری بدلیل یکطرفه شدن الگوی ساخت و ساز به جای حیاط مرکزی • ایجاد زیبایی و منظر مناسب توسط عوامل طبیعی	• تعدی به حقوق دیگران • مدگرایی • برونگرایی • شفافیت مادی و ظاهری ابنیه • سعی در پیشرفته بودن یگانه قلمداد شدن و روزآمد جلوه نمودن • عدم هماهنگی کالبد و عملکرد	• اعتقادات و ارزش ها و نیازهای مادی • تکنولوژی و فناوری • سبک و شیوه زیست جدید • شیوه برنامه ریزی و مقررات	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای • بافت زدا/ بین متنی	• سطوح پایین نشانداری طبیعی(اقلیمی) سطوح میانی نشانداری اجتماعی و فرهنگی	انسانی
طبیعی		منطقی	• توسعه های بی رویه و تخریب محیط طبیعی برای ساخت و ساز • مخدوش ساختن چشم اندازهای طبیعی با ساختمان های بلند مرتبه • حفر چاه های عمیق و برداشت بیش ازحد از آب های زیرزمینی	• استفاده اقتصادی و حداکثری از زمین جهت ساخت و ساز و سوددهی • استفاده بیش از حد نیاز و بیش از قابلیت طبیعت	• عدم توجه و احترام به طبیعت • سیطره مصنوعات بر طبیعت • مصرف گرایی و سودجویی • زیاده خواهی وعدم آینده نگری	• ارزش اقتصادی • شیوه برنامه ریزی و مقررات	• بافت زدا/ بین لایه ای	• سطوح پایین نشانداری طبیعی(رابطه تقابلی با طبیعت)	انسانی

لایه بازنمودی	رمزگان	بافت جدید							
		پدیده		خوانش				نوع روابط دلالتی و سطوح نشانداری	
		نظام	بازنمون	تفسیر	موضوع	عامل موثر	نوع رابطه دلالتی	سطح نشانداری	لایه موثر
انسان ساخت	زیباشناختی	سیما و منظر شهری: آرایه ها و تزیینات هنری	• شمایل گرایی واستفاده از نشانه های شمایلی • عموما فاقد تزیینات هنری • عدم نمادگرایی و نشانگرایی در هنر محیطی • عدم تعریف و یا بیانی مدرن از زیبایی • المان ها و مجسمه های انتزاعی بامحتوا و بی محتوا • هنرهای محیطی	• توجه به انسان و ظاهر و نه خداوند و نشانه های او • زیباسازی و تنوع در فضای شهر • پوشاندن سطوح و دیواره های سیمانی و یا بد چهره • ابزاری جهت القای هویتی خاص به شهر و فضای شهری	• انسانگرایی • تمرکز بر ساخت مادی	• اصول فکری منبعث از فرهنگ غرب و مدرنیزاسیون • تغییر در شیوه نگرش به دنیا و انسان • استفاده لایه مدیریتی و طراح از الگوها و ابزارهای تقلیدی برای ایجاد هویت • عدم توجه به هنرها و پتانسیل های بومی	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای	• سطوح پایین نشانداری ارزشی و مفهومی(خصوصیات فیزیولوژیک انسان)	انسانی
	منطقی	سیما و منظر شهری: خط آسمان و نماهای شهری	• خط آسمان مغشوش و نامتوازن • ساختمان های بلند مرتبه • تسلط ساختمان بانک ها، برج ها و پاساژها در خط آسمان • بیلبوردها و تبلیغات محیطی در مقیاس وسیع • مصالح ناهماهنگ در نماهای شهری • رنگ های مختلف در مصالح و نماهای شهر • اغتشاش در نمای خیابان ها و فلکه ها • سبک های وارداتی در نمای ساختمان ها مانند نماهای رومی	• سلیقه متفاوت در طراحی و ساخت نماها و کاربرد مصالح • جلب توجه و جذب مشتری • تفاوت شکلی با سایر ابنیه • کاربرد مصالح جدید و به روز	• فردگرایی • مادی گرایی و سودجویی • عدم وحدت • غفلت زایی	• اصول فکری منبعث از فرهنگ غرب و مدرنیزاسیون • پیشرفت تکنولوژی و فناوری ساخت • ارزشهای اقتصادی و مادیات • فقدان ضوابط و مقررات مدون	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای • بافت زدا/ بین متنی	• سطوح پایین نشانداری اجتماعی و فرهنگی(سلیقه فردی) • سطوح میانی در نشانداری ارزشی (ثروت) • سطوح پایین در نشانداری ارزشی (نیازهای مادی و فیزیولوژیک)	انسانی
		سیما و منظر شهری: احجام و فرم ها	• احجام بلند ناهماهنگ و انتزاعی • عدم تعریف سلسله مراتب حجمی منطبق با عملکرد و معنا • فرم های نامنظم و ناهماهنگ با محیط • عدم تطابق فرم با معنا و عملکرد بناها و فضاهای شهر هندسه های موجی و سیال و فاقد محور و سکون • عدم توجه به وجوه نمادین فرم ها و کاربرد مادی و شکلی • تناسبات غیرانسانی	• تفاوت با دیگر عناصر و جدا شدن از بافت برای جلب توجه و نگاه عابرین • ایجاد جذابیت بصری • جلب سرمایه، رقابت وسودجویی • تقلید و تشابه به ساختمان های مدرن و شاخص • عدم احترام به حقوق دیگران • تفاوت با دیگر عناصر و جدا شدن از بافت برای جلب توجه و نگاه عابرین توجه صرف به بعد بصری و کالبدی تقلید از هندسه سیال دامنه تپه ها	• تفاخر و خودنمایی • جلوه گری • سودجویی • ازخودبیگانگی و تقلید • ظاهرگرایی	• ارزشهای اقتصادی و مادیات • مقررات و قوانین • پیشرفت تکنولوژی و فناوری ساخت • فقدان ضوابط و مقررات مدون • تنوع طلبی	• بافت زدا/درون لایه ای • بافت زدا/ بین لایه ای • بافت زدا/ بین متنی	• سطوح پایین نشانداری ارزشی • سطوح پایین نشانداری فرهنگی و اجتماعی	انسانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

شکل(۴). تفاوت بازنمون جهان‌بینی و ارزش‌ها در بافت قدیم و توسعه های جدید شهر

تحلیل تغییرات نظام نشانه‌ای

در بافت جدید شهر تغییر در نظام نشانه‌ای به صورت حذف و جایگزینی نشانه ها، تغییر در نقش نشانه‌ای، تغییر شکل نشانه‌ها و ظهور نشانه های کاذب و تقلیدی نمود یافته است. هر یک از این تغییرات حاکی از یک مساله می باشد. نخست ظهور رمزگان های جدید و بیگانه با نظام ارزشی و فرهنگی مردم شهر مانند جهانی شدن، مدرنیزاسیون، استانداردگرایی و... که به حذف تفاوت‌های معنادار منجر می شوند. این امر موجب گشته نشانه های جدیدی ناشی از تأثیر این رمزگان ها در لایه انسانی فرم شهر نمود یابد که جامعه به وسیله این نشانه ها سعی در تبدیل و شبیه شدن به جوامع مدرن و پیشرفته و زادگاه این تفکرات دارد که حاصل آن کسب هویتی تقلیدی و جعلی برای شهرهاست. از طرفی نیز این تفکرات با از میان برداشتن برخی تفاوت‌ها موجب گشته اند برخی نشانه ها رو به اضمحلال رود. عامل دیگری که در تولید نشانه‌های جدید و جانشینی برخی نشانه‌ها مؤثر بوده است ورود تکنولوژی و فناوری به دایره رمزگان‌های مؤثر بر بافت شهر می‌باشد که نقش بسیار چشمگیری در تحول نظام‌های نشانه‌ای و هویت شهر داشته است. در گذشته دامنه گسترده‌ای از نشانه های هویت آفرین در جهت پاسخگویی به نیازها و بخصوص پاسخ به شرایط محیطی برای ایجاد آسایش اقلیمی شکل می گرفت اما با ورود تکنولوژی و فناوری این نشانه ها جانشین و یا دگرگون شدند. تغییر در نظام ارزشی و سطح مؤثر در شکل‌گیری نشانه‌ها در سلسله‌مراتب لایه انسانی فرم شهر نیز موجب تغییر در نظام نشانه‌ای به صورت تغییر نقش نشانه ای گشته است (تصویر۲). عامل دیگر در تغییر نظام نشانه ای تأثیرگذار بر هویت بافت جدید، دوگانگی در عامل مؤثر انسانی در شکل گیری نشانه‌هاست. جدایی لایه برنامه‌ریز و تصمیم گیرنده و فاصله فکری و فرهنگی با جامعه استفاده‌کننده موجب شکل‌گیری نشانه‌هایی در شهرها شده که معرف خصوصیات و شرایط اجتماعی اهالی شهرها نمی‌باشند و تحت تأثیر تفکرات و رمزگان‌هایی هستند که در قسمت نخست به آن اشاره شد و ناشی از الگوهای بیگانه و غربی است که بر طرح‌ها تاثیر گذاشته و تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی و محیطی را نادیده می‌گیرد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

شکل(۵). تغییر نقش نشانه‌ای در بافت قدیم و جدید شهر

تحلیل سلسله مراتب نشانداری بافت قدیم و جدید

با توجه به مقوله نشانداری در سلسله‌مراتب متن شهر، در یک دسته‌بندی کلی، تمام جنبه‌های عوامل انسانی را می‌توان در قالب یک طبقه‌بندی سلسله مراتبی قرار داد که این ساختار مشتمل بر ارزش‌های سطح‌های تراز بالا، تراز میانه و سطوح تراز پایین است. با عنایت به این مسأله که در این لایه انسان و خصوصیات وی در ایجاد سلسله مراتب سطوح متفاوت تأثیرگذار است می‌توان گفت این سطوح متأثر از ساحات وجودی انسان و مراتب پاسخگویی به این ساحات هستند سطوح بالاتر در سلسله مراتب به ساحات روحانی وجود انسان سطوح میانی به ساحات نیازهای روانی و سطوح پایین به نیازهای مادی و فیزیولوژیک اشاره دارد. در سطوح بالا جنبه‌های ارزشی و کارکردی در ارتباط با جهانبینی و ارزش‌ها، تفکرات و نظام‌های فلسفی، الگوهای فرهنگی، تقدس و معنویت و غیره قرار داشته. سطح متوسط مشتمل بر عواملی چون موفقیت، ثروت، قدرت، سیاست، اصالت و تبار و غیره و سطوح پایین شامل مفاهیم ابزاری چون خصوصیات اجتماعی، حریم شخصی، دسترسی، ترتیب محل‌ها، درجات نفوذ و راهیابی، جابجایی و غیره بوده است. جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی در سطوح بالا شامل ارزش‌های فرهنگی، شیوه زیست، اصول اخلاقی، سطوح میانی شامل خرده فرهنگ‌ها،آداب و رسوم، آیین‌ها و مراسم، زندگی جمعی و... و سطوح پایین شامل تفاوت‌های شخصی سلیقه، رقابت، رفاه، نام و غیره می‌گردد. تأثیر هر یک از این سطوح در لایه مصنوع فرم شهر (که در راستای پاسخگویی به نیازهای انسان شکل می-گیرد) منجر به ایجاد نظامی از نشانه‌های مرتبط می‌گردد که موجب می‌شوند شهر یا بافت شهری در یک عامل و موضوع خاص نشاندار گردد. در درجات پایین‌تر سلسله مراتب نشانداری به دلیل تمرکز بیشتر بر کارایی و کم‌رنگ شدن مفاهیم ارزشی و فرهنگی و همچنین رمزگان‌های غیرفضایی در بازنمون نشانه‌های حاصل از رابطه کالبد فرم شهر، معنای استنباطی بیشتر به صورت صریح بوده و به عبارتی دلالت معنا تصریحی است و هر چه این نشانداری به سطوح بالاتر در سلسله مراتب لایه انسانی حرکت می‌کند، فرآیند رمزپردازی و نشان-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

گرایی (نمادگرایی) پررنگ تر شده و به صورت تلویحی صورت و معنا به هم متصل می‌گردند که برای رمزگشایی نشانه‌های حاصل از آن باید به رمزگان آشنایی بیشتری داشت.

تاثیر لایه انسانی بر لایه انسان ساخت

براساس سلسله مراتب ارزشی و مفهومی لایه انسانی ممکن است تأثیر جهانبینی و یا مذهبی خاص را بصورت بازنمونی در کالبد یک بنا مشاهده کنیم. مثلاً بازنمون ارزش وحدت و یا سادگی در کالبد و سیمای بافت و قدیم شهر و یا تاثیر دین در قالب جهت‌گیری خاص ابنیه نسبت به قبله در محله‌ها با ادیان مختلف. ممکن است این مقولات در ایجاد یک عملکرد و کاربری بازنمون یابد مانند تکایا و یا سقاخانه‌ها و ممکن است در معنا نمود یابد مانند فرم نمادین برخی آثار هنری یا کاربرد یک عدد مقدس در هندسه بنا و ... و یا در هر سه مقوله تأثیرگذار بوده و نمود می‌یابد.

تاثیر لایه طبیعی بر لایه انسان ساخت

علاوه بر لایه انسانی، لایه طبیعی نیز در متن فرم شهر دارای مراتبی است اما به دلیل ماهیت منطقی و فضایی آن، نمی‌توان مانند لایه‌ی انسانی به لحاظ ارزشی بین عوامل آن رابطه سلسله مراتبی برقرار نمود. شکل(۶).

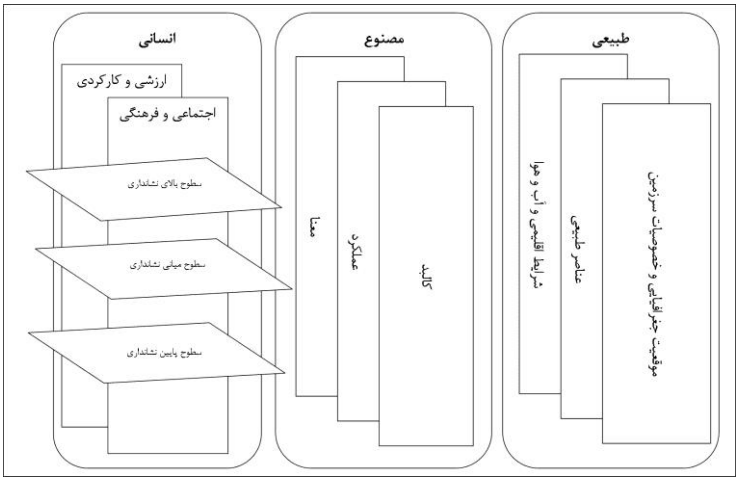

شکل(۶). لایه‌ها و سلسله‌مراتب متن شهر

با توجه به بازنمون‌ها در بافت قدیم، در گذشته معنویت و اصول و ارزش‌های اعتقادی و دینی مهمترین نقش را در شکل‌گیری بافت شهرها داشت و انسان‌ها همواره خود را در مقام عبودیت و در سایه و محضر خداوند متعال می‌پنداشتند و این امر در سیطره عناصر معنوی در سیما و ساختار شهر به چشم می‌خورد. اما در بافت جدید شهرها شاهد سیطره کالبدی و ذهنی عناصر مادی با ماهیت اقتصادی مانند بانک‌ها و برج‌های تجاری هستیم که موجب تغییر شکل نشانه‌ای و دگرگونی هویت ناشی از نظام نشانه‌ای گشته است. بافت قدیم به لحاظ ارزش‌های اسلامی در سطح بالایی از نشانداری قرار داشت حال آنکه بافت جدید به لحاظ اقتصادی و ثروت در سطح بالایی از نشانداری قرار گرفته است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

شکل(۷). عدم حمایتگری لایه مصنوع فرم شهر از لایه انسانی در نوسعه‌های جدید در مقابل همراهی و بافت سازی دو لایه در بافت قدیم

در بافت قدیم نشانداری فرهنگی اجتماعی در فرم ساخت و سازها به صورت تبلور و توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، توجه به فرهنگ بومی و خرده فرهنگ ها، تناسب کالبد با آداب و رسوم و مراسم و غیره در بالاترین سطح قرار داشته است. شکل (۷)، اما در بافت جدید شهر هدف عمده ساخت و سازها ارزش‌های اقتصادی و کسب سود و منفعت شخصی و کسب قدرت است. علاوه بر آن این ساخت و سازها بر پایه سلایق فردی و شخصی و نه بر پایه هماهنگی با جمع ظهور یافته و هر یک در رقابت با سایر ابنیه سعی در تجلی و بروز بیشتر خود دارد.

جدول(۳). مقایسه نشانداری بافت قدیم و توسعه‌های جدید شهر

لایه /شاخص / نشانداری بافت	اجتماعی فرهنگی	ارزشی کارکردی	طبیعی
نشانداری بافت قدیم	بالا و میانی (ارزش های فرهنگی، خرده فرهنگ ها، نیازها و تعاملات اجتماعی و...)	بالا (جهان بینی و ارزش های اعتقادی و مذهبی، مفاهیم فلسفی و نمادین)	بالا (نشانداری اقلیمی، نقش عملکردی و نمادین عناصر طبیعی)
نشانداری بافت جدید	پایین (سلیقه فردی، تفاوت براساس نامگذاری، فرهنگ بیگانه، مصرف گرایی و نیازهای فردی..)	میانی و پایین (عملکرد، اقتصاد و مدیریت، دسترسی، استانداردها و..)	میانی و پایین (نقش زیباسازی عناصر طبیعی، تقابل های دوگانه، عدم توجه به شرایط محیطی)

عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و تنوع فرهنگی و فرهنگ بومی موجب گشته که بافت جدید شهر به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در پایین‌ترین سطح نشانداری به لحاظ مفهومی قرار گیرد و صرفاً پاسخگوی عملکرد و نیازهای فیزیکی و در بهترین حالت روانی ساکنین این بافت باشد. لازم به ذکر است که این سطوح در سلسله مراتب لایه‌ها، بر یکدیگر نیز تاثیرگذار هستند. برخی اتفاقات و وقایع مانند گفتمان دفاع مقدس و بالطبع رمزگان‌های آن که در هویت شهرها و فضاهای شهری چند دهه اخیر نقش پررنگی بخصوص در لایه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

سیما و منظر شهری داشته نیز در شکل‌گیری رمزگان‌های جدید و منبعث از فرهنگ و بافتار خودی موثر بوده است. جدول (۳).

تحلیل روابط دلالتی بافت قدیم و جدید

روابط دلالتی در متن شهر از دو جنبه می تواند مورد بررسی قرار گیرد. نخست بافت سازی و بافت زدایی در روابط و دیگری نوع رابطه بصورت رابطه درون متنی : بین لایه های متن شهر یا بین عناصر یک لایه متنی و روابط میان متنی و روابط میان رمزگانی، شکل(۸). در فرم شهر رابطه بین لایه های اصلی شکل دهنده متن شهر که براساس رابطه پیوستگی و بر مبنای اصل همنشینی متن شهر را خلق می‌کند، یک بافت را بوجود می آورند. اما این رابطه با توجه به نحوه ی حمایتگری لایه های متنی از یکدیگر می‌تواند دریافت را تسهیل و یا آن را با تعلیق همراه سازد. زمانی یک رابطه در متن شهر بافت ساز تلقی می‌گردد که لایه های متن در تقابل نبوده و همسو و در راستای حمایتگری از یکدیگر عمل کنند. این رابطه ممکن است میان رمزگان ها و نظام‌های نشانه‌ای یک لایه نیز برقرار باشد. اگر این رابطه به تقابل بدل گردد به اصطلاح بافت‌زدایی صورت گرفته است. این روابط در متن شهر دو سویه عمل می‌کند. اما گاهی تغییرات در رمزگان‌ها و عوامل یک لایه موجب تغییر در ارتباط خود با دیگر لایه‌ها و یا ارتباط بین دیگر لایه‌ها می‌گردد. عوامل انسانی در متن شهر اصلی‌ترین لایه تاثیرگذار محسوب می‌گردد. تغییر در ارزش‌ها، شیوه زیست و ... می‌تواند در شدت یا حتی یک طرفه شدن روابط و همچنین نوع آن موثر باشد. از دیگر روابط دلالتی، روابط بین رمزگان‌هاست. روابط بین رمزگان‌ها ممکن است درون متنی نباشد بدین معنا که رمزگان‌های فضایی و غیرفضایی که برآمده از دانش شناختی یا متن فرهنگی و محیطی یک شهر نیستند بر متن شهر تاثیر بگذارند. تاثیر فضایی این ارتباط را می‌توان در تقلید و کپی‌برداری از یک اثر یا سبک و... مشاهده نمود. تاثیر غیرفضایی می‌تواند به صورت تاثیر یک تفکر و ایدئولوژی از فرهنگی دیگر بر رمزگان‌ها و و ارزش‌های ملی مشاهده گردد.

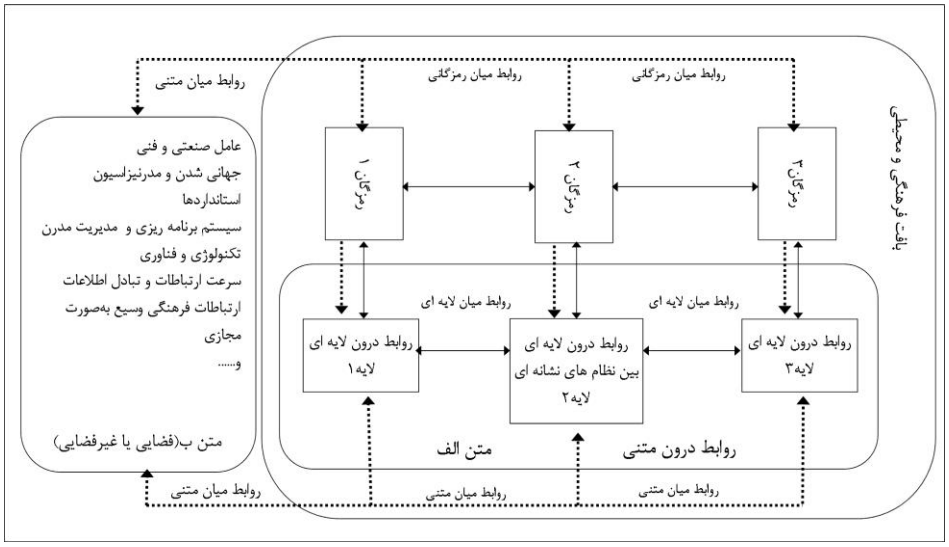

شکل(۸). روابط دلالتی در متن شهر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

با توجه به تفسیر بازنمون‌ها که در بخش قبل ارائه شد، بیشترین نوع رابطه در بافت قدیم بافت ساز و از نوع درون متنی است. این مساله موجب می‌گردد رابطه لایه‌ها رابطه‌ای هم‌افزا و سازنده به شمار رود. اما در بافت جدید روابط بیشتر به صورت تقابلی بوده و موجب بافت زدایی در متن شهر می‌گردد و بیشترین نسبت روابط، میان متنی و تحت تاثیر ورود رمزگان‌های جدید است. جدول(۴).

جدول(۴). مقایسه روابط دلالتی در بافت قدیم و جدید شهر

رابطه دلالتی / بافت	بیشترین نوع رابطه	بیشترین نسبت رابطه	کیفیت رابطه
بافت قدیم	بافت ساز	درون متنی (میان و درون لایه ای)	رابطه سازنده
بافت جدید	بافت زدا	میان متنی(رمزگان های جدید)	رابطه تقابلی

تحلیل نقش روابط دلالتی و سلسله‌مراتب لایه‌های متنی در هویت شهر

هر یک از لایه‌های متنی دارای سلسله‌مراتب مختص خود می‌باشد که قابل ارزش‌گزاری و یا فاقد آن می‌باشند. هرچه نظام‌های نشانه‌ای تحت تأثیر لایه‌های تراز بالاتر به لحاظ رمزگان‌های ارزشی و اجتماعی به وجود آمده و این تأثیر در کالبد، عملکرد و معنای آن جلوه‌گر شده باشد هویت اکتسابی حاصل از آن در درجه بالاتری قرار خواهدداشت و به هویت معنوی و کیفی مطلوب جامعه نزدیک‌تر خواهدبود. بدین معنا که یک پدیده و بازنمون در شهر حاصل اثرگذاری لایه‌های ارزشی در کالبد، عملکرد و معنای آن باشد. حال ممکن است برخی از نشانه‌ها براساس ایدئولوژی و جهانبینی خاصی رمزگذاری شده و در جامعه‌ای مورد استفاده قرار-گیرد، اما موجب احراز هویت اصیل برای آن جامعه نگردد. علیرغم اینکه براساس درجات بالای سلسه‌مراتب ارزشی و کارکردی لایه انسانی شکل گرفته‌است. بنابراین، این نشانه موجب ایجاد هویت جعلی و تقلیدی می-گردد زیرا توسط جامعه استفاده‌کننده و براساس مبانی و تفکرات آن شکل نگرفته و حتی می‌تواند در انحطاط هویتی نقش داشته‌باشد. در چنین مواردی به دلیل عدم آشنایی جامعه مخاطب با رمزگان مؤثر بر شکل‌گیری پدیده، تنها معنای صریح این نشانه‌ها درک شده و افراد قادر به درک دلالت تلویحی و ضمنی آن نیستند علاوه بر آن مهم‌تر از ساختار درونی نشانه، روابط میان نشانه‌هاست که در نقش‌پذیری آن‌ها نقشی اساسی ایفا می-کند.درروابط میان متنی اگر رمزگان توسط لایه‌ی انسانی با لایه‌های متن شهر همسو یا به عبارت دیگر "بومی" گردد موجب روابط بافت ساز و هویت‌مند خواهد شد و اگر لایه‌ی انسانی صرفا به عنوان عامل انتقال عمل نماید این رابطه بافت‌زدا بوده و منجر به هویت تقلیدی و جعلی می‌گردد. بنابراین تاثیرگذاری رمزگان‌های بیرونی می‌تواند مقوم یا تضعیف‌کننده هویت شهر باشد. مدل تحلیلی هویت شهر بر اساس سلسله مراتب و روابط نشانداری در شکل۶ ارائه شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

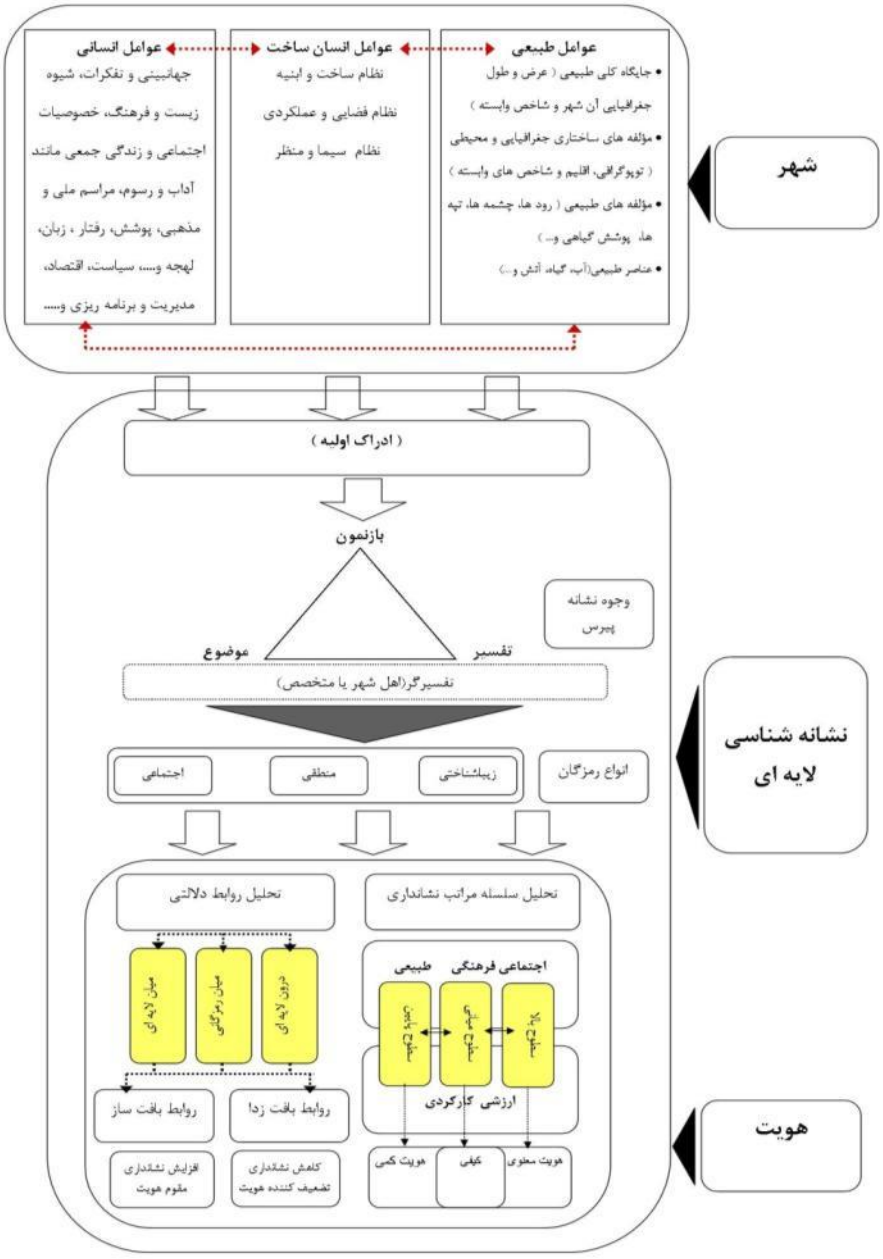

شکل(۹). مدل تحلیلی هویت شهر بر اساس سلسله مراتب و روابط نشانداری

علاوه بر لایه انسانی، لایه طبیعی نیز به شکل‌های مختلف در نشانداری فرم شهر موثراست. شکل(۹). تأثیر مستقیم در هویت شهر با حضور برخی عناصر طبیعی در متن شهر مانند یک رودخانه (اصفهان، زاینده رود) یا یک کوه(تهران، دماوند)که به عنوان نماد هویتی آن شهر ایفای نقش می‌کند و یا خصوصیات اقلیمی که موجب می‌گردد شهر در زمره یک گروه خاص شناخته شود مانند شهر کویری. حضور عناصر طبیعی مانند آب و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

گیاهان خاص در فضاها و معماری ابنیه که علاوه بر عملکرد طبیعی، معانی ارزشی و نمادین دارد. بنابراین یک عامل طبیعی می‌تواند با عبور از لایه انسانی به نشانه‌ای در لایه کالبدی و مصنوع تبدیل گردد زیرا انسان موجودی خلاق است و دارای ابعاد وجودی و ذهنی گسترده می‌باشد و می‌تواند به رمزپردازی و نمادگرایی بپردازد در حالی که عکس این قضیه امکان‌پذیر نیست. در عین حال لایه انسانی می‌تواند با ایجاد رابطه معنادار و همسو بین یک مصنوع که ساخته دست خویش است محیط طبیعی را نشاندار سازد. برای مثال مسیرهای قناتی که از پای کوه تا روستاها و شهرها حرکت نموده و مظهر این قنوات در کویر. همچنین جنگل و دامنه کوه‌ها مثلاً در ماسوله و یا ابیانه به واسطه فرم خاص روستاها از سایر جنگل‌ها و کوهپایه‌ها متمایز و نشاندار گردیده است.اما برخی عوامل طبیعی به واسطه کالبد و خصوصیات کالبدی که توسط انسان جهت پاسخگویی به نیازها و تنظیم شرایط محیط ایجاد گشته به شکل گیری نشانه‌های هویتی منجر می‌گردد. برای مثال فرم بام (گنبدی، شیروانی و غیره) یا بادگیر و یا ساباط هر یک نشانه‌ای است که علیرغم معنای صریح شکلی و عملکردی خود به اقلیم و یا شهر خود اشاره می‌کنند. همچنین می‌توان به توپوگرافی و شکل زمین، پوشش گیاهی و ... به عنوان عوامل تأثیرگذار بر نشانداری طبیعی فرم شهر اشاره نمود. به طور کلی می‌توان گفت هویت ناشی از نشانداری است و انواع و درجات هویت به مراتب و موضوعات مؤثر در سلسله‌مراتب لایه‌های انسانی و طبیعی و نحوه تأثیر آن بر کالبد، عملکرد و معنای فرم شهر در لایه مصنوع بستگی دارد. تأثیرگذاری پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتب لایه انسانی بر وجه کالبدی صرف، می‌تواند پایین‌ترین درجه نشانداری نظام نشانه‌ای را در پی داشته‌باشد که منجر به احراز هویت در پایین‌ترین درجه که ناشی از تفاوت‌های شکلی بی‌معنا و عامل تمایز با سایر پدیده‌هاست می‌گردد.بر اساس مطالب مطرح شده و مدل تحلیلی می‌توان اینگونه استنباط نمود که هویت در بافت قدیم در گذشته، بیشترجنبه معنوی و کیفی داشته و در بافت جدید بیشتر جنبه کیفی و کمی دارد.

نتیجه‌گیری

سرمنشأ هویت شهر در گذشته وجود رابطه های معنادار در ساختار فرم شهر از طریق تأثیر رمزگان های نشاندار حاکم بر لایه های هویتی و نمود عینی و ذهنی این روابط به صورت نظامی از نشانه های خودی و آشنا و هماهنگ با هویت انسانی و الهی سازندگان شهر بوده است. این حمایت گری و ارتباط قوی بین لایه انسانی و مصنوع در بافت قدیم شهرها موجب گشته تا تمامی وجوه و مؤلفه‌های سازنده شهر در یک راستا و در جهت احراز هویت اصیل و آرمانی اهل خویش حرکت کنند. شهرهای معاصر و به ویژه بافت جدید شهرها به محل تقابل و تعارض رمزگان های متنوعی بدل گشته که امکان احراز هویتی اصیل و واحد را برای آن با مشکل مواجه نموده است و درصورت همسویی و انسجام این رمزگان‌ها می‌توان این مناطق را به لحاظ هویت سامان بخشید. دوگانگی وگسست معنا و هویت بافت قدیم و جدید یک شهر در طول زمان نشانگر چند عامل اصلی است که به آن‌ها به‌عنوان پاسخ پرسش تحقیق اشاره می‌شود، جدول(۵). ۱- **تغییراتی که در درون لایه‌های متنی فرم شهر** اتفاق افتاده است و به هم خوردن ساختار سلسله‌مراتبی جنبه‌های کارکردی ارزشی و اجتماعی فرهنگی. ۲- **ایجاد گسست و دوگانگی در لایه انسانی** به عنوان عوامل سازنده و ساکنین شهر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

است که در گذشته کاملاً بر هم منطبق بوده است .اما در شهرهای معاصر به دلیل تغییراتی که در روند تفکر و سیاست ها صورت گرفت به طور تدریجی این عوامل دچار جدایی و گسست گشتند و برنامه ها و سیاست های مدیران شهری در قالب طرح های توسعه، بخش چشمگیری از روند تغییرات نظام های نشانه ای فرم شهر را به صورت سریع در پی داشت. ۳- عامل دیگر **تغییر در نظام رمزگان های موثر بر ساختار فرم شهر** است. ورود برخی رمزگان ها از خارج از بافت فرهنگی، اجتماعی و مکانی متن شهر که در دانش شناختی مردم تعریف نشده بود به صورت رمزگان های فضایی و غیر فضایی موجب تغییر در بازنمون های حاصل از تاثیر رمزگان ها بر لایه های متنی گشته است. همانگونه که اشاره شد، جهانی‌شدن، مدنیزاسیون استاندارد گرایی و ... از جمله رمزگان‌های غیرفضایی بود که نمود خود را در تصمیمات و اندیشه های تصمیم گیرندگان و سازندگان شهر باقی گذاشت و با گسترش وسایل و ابزار ارتباطی به طرق مختلف بر شیوه زیست و ارزش‌های ساکنین نیز بی تاثیر نبود. علاوه بر این رمزگان‌های غیرفضایی، برخی عناصر فضایی مانند فرم‌ها، مصالح، هنرها، تکنولوژی و فناوری و از متونی دیگر به متن شهر ایرانی وارد شد و نظام رمزگان و رابطه لایه های متنی را دگرگون ساخت. در بافت جدید نیز با نظامی جدید از نشانه ها روبرو هستیم که نشان دهنده تغییر در ارزش ها، شیوه زیست و فرهنگ جامعه و همچنین ورود رمزگان‌های جدید است. هرچند نمی‌توان با بررسی یک مورد درباره همه شهرها اظهار نظر نمود زیرا هر شهر دارای شرایط و نظام نشانه ای متفاوت می‌باشد. اما با توجه به یکسان بودن و تشابه عوامل موثر در ظهور نظام نشانه‌ای توسعه‌های جدید شهرها در ایران مانند طرح‌های توسعه، مدرنیزاسیون، ورود اتومبیل و ... و تشابه این محدوده‌ها درهمه شهرها، این موارد تاحدودی بین شهرها مشترکند. بافت جدید شهرها به بستری برای رمزگان‌های متعدد و متفاوت تبدیل گشته که همسویی و رابطه دوطرفه و حمایتگر در آنها به چشم نمیخورد و این موجب ایجاد هویت‌های فردی و چندگانه و درحد تمایز با غیر در پایین ترین درجه احراز هویت می‌گردد. همچنین شاهد توجه بیشتر به بعد ظاهری و عملکردی نشانه‌ها و کم رنگ شدن بعد معنایی آنها هستیم که نتیجه‌ای جز هویت کمی و سطحی نخواهد داشت.

جدول (۵). عوامل موثر بر تغییر نظام نشانه‌ای و مرتبه هویت در توسعه های جدید شهری

عامل موثر بر تغییر نظام نشانه‌ای	تغییر نظام نشانه-ای	مثال در بافت قدیم و جدید
تغییر در رمزگان‌های موثر بر عوامل انسانی(تغییر سلسله‌مراتب)	تغییر نقش نشانه‌ها ظهور نشانه‌های تقلیدی	تغییر در جهانبینی و ارزش‌ها گذشته:مسجد به عنوان نشانه شهری(سیطره معنویت) حال: بانک و برج تجاری بعنوان نشانه شهری(اقتصاد و سیطره مادیات)
دوگانگی در لایه انسانی	تغییر شکل نشانه‌ها نشانه های کاذب حذف نشانه‌ها	ورود لایه مدیریتی گذشته:بافت اندامور و پرپیچ و خم براساس خصوصیات فرهنگی اقلیمی و...، مرکز محله، بازار عنصر افقی حال: بافت شطرنجی طبق طرح‌های مدرن و براساس دسترسی اتومبیل، حذف مرکز محله و شکل‌گیری تقاطع و پارک، تبدیل بازار به پاساژ عنصر عمودی
ورود رمزگان‌های جدید	حذف نشانه‌ها تولید نشانه‌ها نشانه های کاذب	ورود رمزگان دفاع مقدس(درون متنی)(ظهور نشانه‌های جدید در هنرهای محیطی، تغییر نامگذاری‌ها و...) ورود تکنولوژی و فناوری(میان متنی)، حذف نشانه‌های طبیعی مانند بادگیر، تولید نشانه‌هایی مانند ساختمان‌های بلندمرتبه، مصالح خاص، زیرگذرها و...

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]
[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

منابع

اکو، امبرتو. (۱۳۸۷). **نشانه شناسی**، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: انتشارات ثالث.

الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۶). **زبان الگو، شهرها**. ترجمه: رضا کربلایی نوری، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

براتی، ناصر. (۱۳۷۳). **توسعه های جدید شهری و شهرهای جدید(هویتی جدید یا فقدان هویت)** ؛ شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، وزارت مسکن و شهرسازی.صص ۴۳۴-۴۲۳.

بور، والتر. (۱۳۷۵). **شهر و مسئله تشخص**. ترجمه مهرناز مولوی، آبادی، س ۶، ش ۲۲.صص ۳۳- ۲۸.

بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۰). **هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران**. تهران: انتشارات شهر.

پاکتچی، احمد. (۱۳۹۱). **تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکردهای آن(مطالعه موردی محله رستم آباد- فرمانیه)**.نشانه‌شناسی مکان(مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی)، تهران: انتشارات سخن.

چندلر، دانیل. (۱۳۹۴). **مبانی نشانه شناسی**. ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر.

حمه جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر؛ سحابی، جلیل(۱۳۹۶). **مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی**. فصلنامه باغ نظر، ۱۴(۵۷): ۲۱-۳۶.

دانشپور سید عبدالهادی، رضازاده راضیه، سجودی فرزان، محمدی مریم. (۱۳۹۲). **بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای**. نامه معماری و شهرسازی، دوفصلنامه دانشگاه هنر، ۱۱: ۵۰-۳۳.

ربانی، رسول (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی شهری**. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

سجودی، فرزان. (۱۳۹۳). **نشانه شناسی کاربردی**. ویرایش دوم، نشر سوم، تهران: انتشارات علم.

شیعه، اسماعیل. (۱۳۹۳). **مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری**. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). **درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر**. تهران: انتشارات قصه.

عباسی، علی. (۱۳۹۱). **تهران: گسست و پیوست معنا**. نشانه‌شناسی مکان(مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی)، تهران: انتشارات سخن.

غفاری، علیرضا. (۱۳۹۵). **تحلیل نشانه‌شناختی بافت تاریخی کرمان بر پایه ارتباط لایه‌های متن /بافت**. مدیریت شهری، ۴۸: ۵۶-۸۰.

کالر، جاناتان. (۱۳۹۰). **درجستجوی نشانه ها - نشانه شناسی، ادبیات، واسازی**. ترجمه لیلا صادقی و تینا امرالهی، چاپ دوم، تهران: نشر علم.

ماجدی، حمید؛ زرآبادی، زهراسادات سعیده. (۱۳۸۹). **جستاری در نشانه‌شناسی شهری**، مجله آرمانشهر، ۴: ۴۰-۲۳.

مامفورد، لوئیس (1381). **فرهنگ شهرها**. ترجمه : عارف اقوامی مقدم، تهران: وزرات مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی.

محمدی، مریم. (۱۳۹۱).**بررسی فرم شهر از منظر نشانه شناسی لایه ای(نمونه موردی محله باغ شاطر تهران)**. نشانه‌شناسی مکان(مجموعه مقالات هفتمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی)، تهران: انتشارات سخن.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]

[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]

نجومیان، احمد. (۱۳۸۷). **تحلیل نشانه شناختی خانه های تاریخی کاشان**. مجموعه مقالات چهارمین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران: شلدرنگ.

نصر، طاهره .(۱۳۹۲). **تبیین مؤلفه‌های هویت کالبدی شهر ایرانی**. رساله دکترا، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

نصر، طاهره؛ ماجدی، حمید. (۱۳۹۲). **نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی**. مجله آرمانشهر، ۱۱: ۲۶۹- ۲۷۷.

نقره کار، عبدالحمید؛ رئیسی، محمدمنان (۱۳۹۳). **درآمدی بر رمز و رمزپردازی در معماری دوران اسلامی**. مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱۱: ۶۸-۹۲.

نقی زاده، محمد. (۱۳۹۳). **هویت شهر(مبانی، مولفه ها و جلوه ها)**. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

واعظی، مهدی؛ علیمردانی، مسعود. (۱۳۹۷). **مفهوم هویت و رویکردی فلسفی به هویت و ماهیت شهر**. مجله باغ نظر، ۶۲: ۶۱-۴۲.

Danesi, Marcel (2007). **The Quest for Meaning: A Guide to Semiotic Theory and Practice**, Toronto, University of Toronto Press.

Eco, Umberto (1979). **A Theory of Semiotics**, Bloomington, IN: India University Press/London: Macmillan.

Kropf, Karl (1996). **Urban tissue and the character of towns**, Urban Design International journal, 1 (3), 247-263.

Mumford, L (1961). **The City in the History**. New York: Harcourt, Brace and World Inc.

Peirce, Charles Sanders (1931-58). **Collected Writings**, (8 Voles). (Ed. Charles Hartshorne, Paul Weiss & Arthur W Burks). Cambridge, MA: Harvard University Press.

Rappaport, Ames (1994). **Spatial Organization and the Built Environment**, Companion Encyclopedia of Anthropology, Humanity, cultural and Social Life. ED: Time in Gold, Rutledge, New York.

Trancik, R (1984). **Finding lost space**; VRN

Walmsley, D (1988). **Urban Living; The individual in the city**. Longman press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.183.6]

[DOI: 10.52547/jgs.21.62.489]